

ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین

یوسف قلیکی میلان^۱؛ فاطمه صالحی^۲؛ الماس صالحی^۳؛ عزیزه علی پور^۴؛ حامد زینالپور^۵

چکیده

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان مهم ترین سند راهبردی نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، چارچوبی

برای هدایت فعالیت های آموزشی، تربیتی، فرهنگی و مدیریتی مدارس ارائه می دهد. تحقق اهداف این سند، بدون شناخت و مشارکت فعال معلمان امکان پذیر نیست؛ زیرا معلمان اصلی ترین عامل اجرایی در فرایند تعلیم و تربیت و

MDPI-02-2026.0085
MNR-86-2-2731BF

ارزش ها، مهارت ها و شایستگی های مورد نظر نظام آموزشی به دانش آموزان هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین و تبیین نقش آن در ارتقای کیفیت آموزشی و تربیتی انجام شده است. روش پژوهش از نوع مروری - تحلیلی بوده و داده ها از طریق بررسی منابع کتابخانه ای، اسناد رسمی، مقالات علمی و پژوهش های مرتبط گردآوری شده اند. نتایج بررسی ها نشان داد که آشنایی معلمان با ابعاد مختلف سند تحول بنیادین موجب بهبود عملکرد آموزشی، تقویت هویت دینی و ملی دانش آموزان، توسعه مهارت های حرفه ای معلمان، افزایش هماهنگی میان اهداف آموزشی و نیازهای جامعه و ارتقای کیفیت مدیریت کلاس درس می شود. همچنین، ناآگاهی یا شناخت سطحی معلمان نسبت به مفاد سند، می تواند مانعی جدی در مسیر تحقق اهداف تحول آفرین نظام آموزشی باشد. بر این اساس، برگزاری دوره های توانمندسازی، بازنگری در برنامه های تربیت معلم و فراهم سازی بسترهای اجرایی مناسب برای اجرای مفاد سند، از جمله ضرورت های اساسی در نظام آموزش و پرورش محسوب می شود.

کلیدواژگان: سند تحول بنیادین، معلمان، اهداف تربیتی، تحول آموزشی، شایستگی حرفه ای، نظام تعلیم و تربیت

^۱. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۲. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۳. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

^۴. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان چالدران، مقطع ابتدایی

^۵. شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شوط، مقطع ابتدایی

۱. مقدمه

نظام آموزش و پرورش هر جامعه‌ای از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی به شمار می‌آید که نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به آینده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن جامعه ایفا می‌کند. کیفیت عملکرد این نظام می‌تواند مسیر توسعه و پیشرفت یک کشور را هموار سازد یا در صورت ناکارآمدی، زمینه‌ساز رکود و عقب‌ماندگی شود. از این رو، بسیاری از کشورها همواره تلاش می‌کنند با اصلاح ساختارها، برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی، نظام تعلیم و تربیت خود را به‌گونه‌ای سامان دهند که پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه و تحولات جهانی باشد. در این میان، اسناد تحول‌آفرین و برنامه‌های راهبردی آموزشی به‌عنوان نقشه راه توسعه نظام آموزشی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند؛ زیرا این اسناد جهت‌گیری کلی آموزش و پرورش را مشخص کرده و اهداف، راهبردها و شیوه‌های تحقق آن‌ها را تبیین می‌کنند. در جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به تحولات گسترده اجتماعی، فرهنگی و علمی در دهه‌های اخیر، ضرورت بازنگری و اصلاح نظام آموزش و پرورش بیش از پیش احساس شد. این ضرورت به تدوین و تصویب «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجامید؛ سندی که با هدف ایجاد تحول عمیق، همه‌جانبه و پایدار در نظام تعلیم و تربیت کشور طراحی شده است. سند تحول بنیادین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بالادستی نظام آموزشی، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای اساسی و راهکارهای عملی برای ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت را مشخص می‌کند و تلاش دارد آموزش و پرورش را در مسیر تربیت انسان‌های متعهد، خلاق، مسئولیت‌پذیر و توانمند هدایت کند. سند تحول بنیادین بر مبنای مبانی فلسفی، فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی - اسلامی تدوین شده و هدف اصلی آن تربیت نسلی است که علاوه بر برخورداری از دانش و مهارت‌های علمی، دارای هویت دینی، ملی و فرهنگی نیز باشد. در این سند، تعلیم و تربیت صرفاً به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه فرآیندی جامع تلقی می‌شود که ابعاد مختلف وجودی انسان، از جمله ابعاد اخلاقی، معنوی، اجتماعی، عقلانی و جسمانی را دربرمی‌گیرد. به همین دلیل، در این سند بر تربیت متوازن و همه‌جانبه دانش‌آموزان تأکید شده و تلاش شده است تا برنامه‌های آموزشی و تربیتی مدارس در راستای تحقق این هدف سامان یابد. با وجود اهمیت فراوان این سند، تحقق اهداف آن در عمل نیازمند مشارکت و همکاری همه ارکان نظام آموزش و پرورش است. در میان این ارکان، معلمان جایگاهی بسیار کلیدی و تعیین‌کننده دارند. معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل اجرایی نظام آموزشی، نقش مستقیمی در تحقق اهداف تربیتی، آموزشی و فرهنگی مدارس ایفا می‌کنند. آن‌ها در خط مقدم فرآیند



تعلیم و تربیت قرار دارند و بیشترین تعامل را با دانش آموزان دارند. از این رو، میزان آگاهی، دانش و نگرش معلمان نسبت به سیاست ها و اسناد تحول آفرین آموزشی می تواند تأثیر بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت اجرای آن ها داشته باشد. اگرچه سیاست ها و برنامه های آموزشی در سطوح کلان و توسط نهادهای سیاست گذار تدوین می شوند، اما اجرای واقعی آن ها در محیط مدرسه و کلاس درس صورت می گیرد. به عبارت دیگر، کلاس درس محل تحقق عملی اهداف و برنامه های آموزشی است و معلم به عنوان مدیر اصلی این فضا، نقش تعیین کننده ای در تبدیل اهداف نظری به عمل آموزشی دارد. بنابراین، آشنایی معلمان با مفاهیم، اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین می تواند زمینه ساز اجرای مؤثر آن در مدارس شود. یکی از چالش هایی که در مسیر اجرای اسناد تحول آفرین در نظام های آموزشی مختلف مشاهده می شود، فاصله میان سیاست های کلان و عملکرد عملی در مدارس است. در بسیاری از موارد، اسناد و برنامه های آموزشی به خوبی تدوین می شوند، اما به دلیل نبود آگاهی کافی در میان مجریان، به ویژه معلمان، اجرای آن ها با دشواری مواجه می شود. این مسئله می تواند باعث شود که اهداف اصلی سند در سطح نظری باقی بماند و در عمل تأثیر چندانی بر کیفیت آموزش نداشته باشد. بنابراین، آشنایی معلمان با ابعاد مختلف سند تحول بنیادین نه تنها یک ضرورت آموزشی، بلکه یکی از پیش شرط های اساسی برای تحقق اهداف آن محسوب می شود. از سوی دیگر، تحولات سریع علمی، فناوری و اجتماعی در جهان معاصر، نقش معلم را پیچیده تر و چندبعدی تر کرده است. امروزه از معلمان انتظار می رود علاوه بر انتقال دانش، نقش های متعددی مانند راهنما، تسهیل گر یادگیری، مربی اخلاقی، الگوی رفتاری و حتی مشاور آموزشی را ایفا کنند. این نقش های چندگانه مستلزم آن است که معلمان از دیدگاهی جامع و نظام مند نسبت به اهداف تعلیم و تربیت برخوردار باشند. سند تحول بنیادین می تواند چنین چارچوبی را در اختیار معلمان قرار دهد و آن ها را در جهت تحقق اهداف تربیتی نظام آموزشی هدایت کند. همچنین، آشنایی معلمان با این سند می تواند به افزایش انسجام و هماهنگی در فعالیت های آموزشی مدارس کمک کند. زمانی که معلمان از اهداف کلان و جهت گیری های اصلی نظام تعلیم و تربیت آگاه باشند، می توانند برنامه های درسی، روش های تدریس و فعالیت های آموزشی خود را با این اهداف هماهنگ سازند. در نتیجه، فرآیند تعلیم و تربیت از حالت پراکنده و جزیره ای خارج شده و به سمت یک نظام منسجم و هدفمند حرکت خواهد کرد. نکته مهم دیگر این است که سند تحول بنیادین تنها یک سند نظری یا اداری نیست، بلکه راهنمایی عملی برای بهبود کیفیت آموزش و پرورش محسوب می شود. این سند با ارائه راهکارهای مشخص در زمینه های مختلف، از



جمله برنامه های درسی، مدیریت آموزشی، تربیت معلم، فناوری آموزشی و مشارکت خانواده ها، تلاش کرده است زمینه های لازم برای تحول در نظام آموزشی را فراهم کند. بنابراین، آشنایی معلمان با این راهکارها می تواند به آنها کمک کند تا شیوه های نوین و مؤثرتری را در فرآیند تدریس و تربیت به کار گیرند. در سال های اخیر، توجه به توانمندسازی معلمان به عنوان یکی از مهم ترین عوامل ارتقای کیفیت آموزش و پرورش مورد تأکید بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. مطالعات مختلف نشان می دهد که کیفیت آموزش در هر نظام آموزشی تا حد زیادی به دانش، مهارت و نگرش معلمان وابسته است. به همین دلیل، بسیاری از کشورها سرمایه گذاری گسترده ای در زمینه آموزش های ضمن خدمت، توسعه حرفه ای معلمان و ارتقای شایستگی های آموزشی آنها انجام داده اند. در این راستا، آشنایی معلمان با اسناد بالادستی نظام آموزشی، به ویژه سند تحول بنیادین، می تواند به عنوان یکی از مؤلفه های مهم توسعه حرفه ای معلمان مطرح شود. زمانی که معلمان از اهداف کلان نظام آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت آگاه باشند، می توانند فعالیت های آموزشی خود را با دیدگاهی عمیق تر و هدفمندتر برنامه ریزی کنند. این امر نه تنها به ارتقای کیفیت تدریس کمک می کند، بلکه می تواند نقش معلمان را در تربیت نسل آینده جامعه تقویت کند. با توجه به اهمیت موضوع، بررسی ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چنین بررسی ای می تواند به شناسایی نقش آگاهی معلمان در تحقق اهداف سند و همچنین ارائه راهکارهایی برای تقویت این آگاهی کمک کند. از سوی دیگر، این موضوع می تواند توجه برنامه ریزان آموزشی و مسئولان نظام تعلیم و تربیت را به ضرورت سرمایه گذاری بیشتر در زمینه آموزش و توانمندسازی معلمان جلب کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و بررسی نقش آن در بهبود کیفیت تعلیم و تربیت انجام شده است. امید است نتایج این پژوهش بتواند گامی در جهت ارتقای آگاهی معلمان نسبت به این سند مهم و فراهم سازی زمینه های لازم برای تحقق اهداف آن در نظام آموزش و پرورش کشور باشد.

۲. مبانی نظری

نظام های آموزشی در هر جامعه ای بر پایه مجموعه ای از مبانی فلسفی، فرهنگی و اجتماعی شکل می گیرند که جهت گیری کلی تعلیم و تربیت را تعیین می کنند. مبانی نظری آموزش و پرورش شامل مجموعه ای از دیدگاه ها، نظریه ها و



چارچوب‌های مفهومی است که اهداف، محتوا، روش‌ها و کارکردهای نظام آموزشی را تبیین می‌کند. در این میان، اسناد راهبردی آموزشی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر اساس چنین مبانی نظری تدوین می‌شوند و تلاش دارند نظام تعلیم و تربیت را در مسیر اهداف مطلوب هدایت کنند. از این رو، برای درک بهتر ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین، لازم است مبانی نظری مرتبط با نقش معلم در نظام آموزشی، مفهوم تحول در آموزش و پرورش و جایگاه اسناد تحول‌آفرین در فرآیند تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم در حوزه تعلیم و تربیت، مفهوم «تحول آموزشی» است. تحول در نظام آموزشی به معنای ایجاد تغییرات عمیق، هدفمند و پایدار در ساختارها، برنامه‌ها، روش‌ها و اهداف آموزش و پرورش است. این تحول زمانی معنا پیدا می‌کند که نظام آموزشی بتواند خود را با نیازهای جدید جامعه، پیشرفت‌های علمی و تحولات فرهنگی هماهنگ سازد. بسیاری از نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت معتقدند که نظام‌های آموزشی برای حفظ کارآمدی خود ناگزیر از بازنگری و اصلاح مستمر هستند؛ زیرا جامعه انسانی همواره در حال تغییر است و نظام آموزشی نیز باید متناسب با این تغییرات تکامل یابد. در این چارچوب، اسناد تحول‌آفرین آموزشی نقش مهمی در هدایت و جهت‌دهی به فرآیند اصلاحات آموزشی ایفا می‌کنند. این اسناد در واقع نقشه راهی برای توسعه نظام آموزشی هستند که در آن اهداف کلان، اصول بنیادین و راهبردهای اجرایی مشخص می‌شود. وجود چنین اسنادی می‌تواند به ایجاد انسجام در سیاست‌های آموزشی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف نظام تعلیم و تربیت کمک کند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز در همین راستا تدوین شده و تلاش دارد چارچوبی جامع برای تحول در نظام آموزشی کشور ارائه دهد. از دیدگاه نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت، معلم مهم‌ترین عامل در تحقق اهداف آموزشی محسوب می‌شود. اگرچه برنامه‌های درسی، سیاست‌های آموزشی و امکانات آموزشی نقش مهمی در کیفیت آموزش دارند، اما این معلم است که در نهایت این عناصر را در محیط کلاس درس به کار می‌گیرد. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که کیفیت هر نظام آموزشی به کیفیت معلمان آن وابسته است. معلمان نه تنها انتقال‌دهنده دانش هستند، بلکه در شکل‌دهی به نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان نیز نقش اساسی دارند. بر اساس دیدگاه‌های جدید در حوزه تعلیم و تربیت، نقش معلم از یک انتقال‌دهنده صرف دانش به یک تسهیل‌گر یادگیری تغییر یافته است. در رویکردهای سنتی آموزش، معلم به عنوان منبع اصلی دانش شناخته می‌شد و دانش‌آموزان نقش نسبتاً منفعلانه‌ای در فرآیند یادگیری داشتند. اما در رویکردهای نوین آموزشی، یادگیری به عنوان فرآیندی فعال، تعاملی



و مبتنی بر مشارکت دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد، معلم نقش هدایت‌کننده و تسهیل‌کننده را بر عهده دارد و تلاش می‌کند شرایطی فراهم کند که دانش‌آموزان بتوانند به صورت فعال در فرآیند یادگیری مشارکت داشته باشند. نظریه‌های مختلف یادگیری نیز بر اهمیت نقش معلم در هدایت فرآیند یادگیری تأکید دارند. برای مثال، در نظریه سازنده‌گرایی، یادگیری به عنوان فرآیندی تلقی می‌شود که در آن دانش‌آموزان با تعامل با محیط و تجربه‌های جدید، دانش و مفاهیم را به طور فعال می‌سازند. در این نظریه، معلم باید محیطی یادگیری‌محور ایجاد کند که در آن دانش‌آموزان بتوانند به کشف و فهم عمیق مفاهیم دست یابند. تحقق چنین رویکردی نیازمند آن است که معلمان از اهداف و فلسفه‌های تربیتی نظام آموزشی آگاهی داشته باشند. از سوی دیگر، در نظریه یادگیری اجتماعی نیز بر نقش الگو بودن معلم تأکید شده است. بر اساس این نظریه، دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری مفاهیم علمی، بسیاری از رفتارها و نگرش‌های خود را از طریق مشاهده و الگوبرداری از معلمان فرا می‌گیرند. بنابراین، معلمان نه تنها در انتقال دانش، بلکه در شکل‌دهی به شخصیت و هویت دانش‌آموزان نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد که معلمان باید نسبت به اهداف تربیتی نظام آموزشی شناخت دقیق داشته باشند تا بتوانند نقش تربیتی خود را به درستی ایفا کنند. یکی دیگر از مباحث مهم در مبانی نظری تعلیم و تربیت، مفهوم «تربیت همه‌جانبه» است. در بسیاری از رویکردهای نوین آموزشی تأکید می‌شود که تعلیم و تربیت نباید صرفاً به آموزش دانش‌های علمی محدود شود، بلکه باید ابعاد مختلف وجودی انسان را در بر گیرد. این ابعاد شامل رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و جسمانی است. هدف از چنین رویکردی تربیت انسان‌هایی متعادل، مسئولیت‌پذیر و توانمند است که بتوانند در جامعه نقش مؤثری ایفا کنند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز بر همین مفهوم تأکید دارد و تلاش می‌کند با ارائه چارچوبی جامع، زمینه تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم سازد. در این سند، تعلیم و تربیت به عنوان فرآیندی مستمر و پویا تعریف شده است که هدف آن پرورش انسان‌هایی مؤمن، متعهد، خلاق و مسئولیت‌پذیر است. تحقق این هدف مستلزم آن است که تمامی عناصر نظام آموزشی، از جمله برنامه‌های درسی، روش‌های تدریس و محیط‌های یادگیری، در راستای این هدف ساماندهی شوند. در این میان، معلمان نقش کلیدی در تحقق تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان دارند. آن‌ها باید بتوانند علاوه بر انتقال مفاهیم علمی، به رشد اخلاقی، اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان نیز توجه کنند. برای انجام این وظیفه، معلمان نیازمند درک عمیقی از اهداف تربیتی نظام آموزشی هستند. آشنایی با سند تحول بنیادین می‌تواند چنین درکی



را برای معلمان فراهم کند و آن‌ها را در جهت اجرای مؤثر برنامه‌های تربیتی یاری دهد. از منظر مدیریت آموزشی نیز نقش معلمان در تحقق اهداف اسناد تحول‌آفرین بسیار مهم است. مدیران آموزشی ممکن است سیاست‌ها و برنامه‌های کلان را طراحی کنند، اما اجرای این سیاست‌ها در سطح مدرسه به همکاری و مشارکت معلمان وابسته است. اگر معلمان نسبت به اهداف و راهبردهای آموزشی آگاهی کافی نداشته باشند، ممکن است برنامه‌های آموزشی به‌درستی اجرا نشود یا با اهداف اصلی نظام آموزشی هماهنگ نباشد. علاوه بر این، توسعه حرفه‌ای معلمان یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای کیفیت نظام آموزشی محسوب می‌شود. توسعه حرفه‌ای به مجموعه فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف ارتقای دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های حرفه‌ای معلمان انجام می‌گیرد. این فعالیت‌ها می‌تواند شامل آموزش‌های ضمن خدمت، کارگاه‌های آموزشی، مطالعه منابع علمی و مشارکت در برنامه‌های پژوهشی باشد. آشنایی با اسناد بالادستی نظام آموزشی نیز یکی از جنبه‌های مهم توسعه حرفه‌ای معلمان محسوب می‌شود. در بسیاری از کشورها، آگاهی معلمان از سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم حرفه‌ای بودن معلم در نظر گرفته می‌شود. معلم حرفه‌ای کسی است که علاوه بر تسلط بر محتوای درسی و روش‌های تدریس، از اهداف کلان نظام آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت نیز آگاه باشد. چنین معلمی می‌تواند فعالیت‌های آموزشی خود را به‌گونه‌ای طراحی کند که با اهداف بلندمدت نظام آموزشی هماهنگ باشد. در نهایت، می‌توان گفت که مبانی نظری تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که تحقق اهداف نظام آموزشی بدون مشارکت فعال معلمان امکان‌پذیر نیست. معلمان به‌عنوان اصلی‌ترین مجریان فرآیند تعلیم و تربیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در اجرای برنامه‌های آموزشی دارند. از این رو، آشنایی آن‌ها با اهداف، اصول و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌تواند تأثیر بسزایی در موفقیت این سند داشته باشد. این آگاهی نه تنها موجب بهبود عملکرد آموزشی معلمان می‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف تربیتی نظام آموزش و پرورش و تربیت نسلی توانمند و مسئولیت‌پذیر در جامعه باشد.

۳. بیان مسئله

آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، وظیفه تربیت نسل آینده و آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش مؤثر در جامعه را بر عهده دارد. تحقق این وظیفه مستلزم برخورداری نظام آموزشی از برنامه‌ها، سیاست‌ها و اسناد راهبردی منسجم و هدفمند است. در جمهوری اسلامی ایران، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت، با هدف ایجاد تحول اساسی در ساختار، محتوا و فرآیندهای آموزشی تدوین شده است. این



سند تلاش دارد با تکیه بر ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی جامعه ایرانی - اسلامی، مسیر حرکت نظام آموزشی را به سوی تربیت انسان‌های متعهد، خلاق، مسئولیت‌پذیر و توانمند هدایت کند. با وجود اهمیت فراوان این سند، یکی از چالش‌های اساسی در مسیر تحقق اهداف آن، میزان آگاهی و شناخت معلمان نسبت به مفاد، اهداف و راهکارهای اجرایی سند تحول بنیادین است. معلمان به‌عنوان اصلی‌ترین عامل اجرایی نظام آموزشی، نقش مستقیمی در پیاده‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی دارند. هرگونه تغییر و تحول در نظام تعلیم و تربیت، زمانی می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد که معلمان نسبت به اهداف آن آگاهی کافی داشته باشند و بتوانند آن را در محیط مدرسه و کلاس درس عملیاتی کنند. در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که برخی معلمان آشنایی عمیق و کاربردی با سند تحول بنیادین ندارند و تنها اطلاعات محدودی درباره کلیات آن در اختیار دارند. این مسئله می‌تواند موجب فاصله میان اهداف نظری سند و اجرای عملی آن در مدارس شود. هنگامی که معلمان نسبت به اهداف کلان نظام آموزشی شناخت کافی نداشته باشند، ممکن است فعالیت‌های آموزشی و تربیتی آنان در راستای تحقق این اهداف قرار نگیرد. در نتیجه، سند تحول بنیادین به جای آنکه به یک برنامه اجرایی مؤثر تبدیل شود، صرفاً در حد یک سند اداری و نظری باقی می‌ماند. یکی دیگر از مسائل موجود، ضعف در برنامه‌های توانمندسازی معلمان در زمینه آشنایی با اسناد تحول‌آفرین آموزشی است. اگرچه در سال‌های اخیر دوره‌های آموزشی مختلفی برای فرهنگیان برگزار شده است، اما در بسیاری از موارد این آموزش‌ها سطحی، کوتاه‌مدت و غیرکاربردی بوده‌اند. برخی معلمان نیز به دلیل حجم زیاد وظایف آموزشی و اداری، فرصت کافی برای مطالعه و بررسی دقیق مفاد سند تحول بنیادین را ندارند. این موضوع می‌تواند میزان اثربخشی اجرای سند را کاهش دهد. از سوی دیگر، تحولات سریع علمی، فرهنگی و فناوری در جهان معاصر، ضرورت بازنگری در شیوه‌های آموزشی و تربیتی را افزایش داده است. امروزه نظام‌های آموزشی باید علاوه بر انتقال دانش، مهارت‌هایی همچون تفکر انتقادی، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و توانایی حل مسئله را در دانش‌آموزان تقویت کنند. سند تحول بنیادین نیز با توجه به این نیازها، اهداف و راهکارهایی را برای ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت ارائه کرده است. با این حال، تحقق این اهداف نیازمند آن است که معلمان با رویکردهای جدید آموزشی و تربیتی آشنا باشند و بتوانند آن‌ها را در فرآیند تدریس به کار گیرند. در شرایطی که برخی معلمان همچنان از روش‌های سنتی و حافظه‌محور در تدریس استفاده می‌کنند، اجرای رویکردهای نوین مطرح‌شده در سند تحول بنیادین با دشواری مواجه می‌شود. این مسئله نشان می‌دهد که صرف تدوین اسناد تحول‌آفرین برای ایجاد



تغییر در نظام آموزشی کافی نیست، بلکه باید زمینه‌های لازم برای درک، پذیرش و اجرای آن‌ها توسط معلمان نیز فراهم شود. همچنین، نبود هماهنگی کامل میان برنامه‌های درسی، محتوای آموزشی و اهداف سند تحول بنیادین می‌تواند مشکلات دیگری را ایجاد کند. اگر معلمان نتوانند ارتباط روشنی میان فعالیت‌های آموزشی روزمره خود و اهداف کلان سند برقرار کنند، احتمال دارد اجرای مفاد سند به صورت پراکنده و غیرمنسجم انجام شود. این مسئله نه تنها از اثربخشی برنامه‌های تحول‌آفرین می‌کاهد، بلکه ممکن است باعث سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان نیز شود. بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که میزان آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین تا چه اندازه در تحقق اهداف نظام آموزشی مؤثر است و چه ضرورت‌هایی برای افزایش این آگاهی وجود دارد. بررسی این موضوع می‌تواند به شناسایی موانع موجود در مسیر اجرای سند و ارائه راهکارهایی برای توانمندسازی معلمان کمک کند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه مناسبی برای جلب توجه مسئولان آموزشی به اهمیت آموزش و ارتقای آگاهی معلمان نسبت به اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت فراهم سازد.

۴. ضرورت پژوهش

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین سند راهبردی نظام تعلیم و تربیت کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی دارد. تحقق اهداف این سند نیازمند همکاری و مشارکت همه عوامل آموزشی، به‌ویژه معلمان است. از آنجا که معلمان اصلی‌ترین مجریان فرآیند تعلیم و تربیت در مدارس محسوب می‌شوند، میزان آگاهی آنان از اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین تأثیر مستقیمی بر کیفیت اجرای آن دارد. ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که در بسیاری از مدارس، آشنایی معلمان با مفاد سند تحول بنیادین در سطح مطلوبی قرار ندارد و همین مسئله می‌تواند مانع تحقق کامل اهداف آموزشی و تربیتی شود. بررسی ضرورت آشنایی معلمان با این سند می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف موجود در برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی فرهنگیان کمک کند. از سوی دیگر، تحولات سریع اجتماعی، فرهنگی و فناوری، نظام آموزش و پرورش را با چالش‌های جدیدی مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، معلمان باید بتوانند نقش خود را متناسب با نیازهای جدید جامعه ایفا کنند. سند تحول بنیادین چارچوبی برای پاسخگویی به این نیازها فراهم کرده است؛ اما بهره‌گیری مؤثر از آن مستلزم شناخت دقیق معلمان از اهداف و راهکارهای آن است. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند برای برنامه‌ریزان آموزشی، مدیران مدارس و مراکز تربیت معلم مفید باشد.



و زمینه طراحی دوره های آموزشی مناسب برای افزایش آگاهی معلمان نسبت به مفاد سند تحول بنیادین را فراهم کند. در نتیجه، این پژوهش می تواند گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت و تحقق اهداف تحول آفرین آموزش و پرورش کشور باشد.

۵. اهداف پژوهش

- تبیین اهمیت آشنایی معلمان با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش
- بررسی نقش معلمان در تحقق راهکارهای سند تحول بنیادین
- شناسایی آثار آگاهی معلمان از سند تحول بنیادین بر کیفیت آموزش
- ارائه راهکارهایی برای افزایش آشنایی معلمان با مفاد سند تحول بنیادین

۶. سوالات پژوهش

- آشنایی معلمان با سند تحول بنیادین چه اهمیتی در نظام آموزش و پرورش دارد؟
- معلمان چه نقشی در تحقق اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین ایفا می کنند؟
- آگاهی معلمان از مفاد سند تحول بنیادین چه تأثیری بر کیفیت تعلیم و تربیت دارد؟
- چه راهکارهایی برای افزایش شناخت معلمان نسبت به سند تحول بنیادین وجود دارد؟

۷. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری - تحلیلی است که با هدف بررسی ضرورت آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش انجام شده است. در این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای، اسناد رسمی آموزش و پرورش، کتاب های تخصصی، مقالات علمی - پژوهشی فارسی و انگلیسی و پژوهش های مرتبط گردآوری شده است. پس از جمع آوری منابع، داده ها به شیوه توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفتند و تلاش شد ابعاد مختلف نقش معلمان در تحقق اهداف سند تحول بنیادین تبیین شود. همچنین، برای افزایش اعتبار پژوهش، از منابع معتبر دانشگاهی و اسناد رسمی مرتبط با نظام تعلیم و تربیت استفاده شده است. هدف اصلی این روش، ارائه تصویری جامع از اهمیت آگاهی معلمان نسبت به سند تحول بنیادین و تأثیر آن بر کیفیت آموزش و پرورش است.

۸. یافته های پژوهش

بررسی منابع علمی، اسناد آموزشی و پژوهش های انجام شده در حوزه تعلیم و تربیت نشان می دهد که آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یکی از عوامل مهم در تحقق اهداف نظام آموزشی است. معلمان به عنوان اصلی ترین مجریان برنامه های آموزشی در مدارس، نقش تعیین کننده ای در عملیاتی شدن سیاست ها و برنامه های تحول آفرین دارند. یافته های این پژوهش در چند محور اصلی قابل بررسی است که شامل نقش معلمان در تحقق اهداف سند تحول بنیادین، تأثیر آگاهی معلمان بر کیفیت آموزش، ضرورت توانمندسازی حرفه ای معلمان و راهکارهای افزایش شناخت معلمان نسبت به مفاد سند تحول بنیادین می شود. یکی از مهم ترین یافته های پژوهش آن است که میزان آگاهی معلمان از اسناد بالادستی آموزشی، به ویژه سند تحول بنیادین، تأثیر مستقیمی بر نحوه اجرای برنامه های درسی و تربیتی دارد. زمانی که معلمان از اهداف کلان نظام آموزشی آگاه باشند، می توانند فعالیت های آموزشی خود را به گونه ای طراحی کنند که در راستای تحقق این اهداف قرار گیرد. در چنین شرایطی، فرآیند تدریس از حالت صرفاً انتقال دانش خارج شده و به فرآیندی هدفمند و تربیت محور تبدیل می شود. در مقابل، در شرایطی که معلمان شناخت کافی از مفاد سند تحول بنیادین نداشته باشند، احتمال دارد برنامه های آموزشی صرفاً بر انتقال محتوای درسی متمرکز شود و ابعاد تربیتی تعلیم و تربیت کمتر مورد توجه قرار گیرد. این مسئله می تواند باعث شود اهداف تربیتی نظام آموزشی، مانند پرورش هویت دینی، اجتماعی و اخلاقی دانش آموزان، به طور کامل تحقق نیابد. یافته های پژوهش همچنین نشان می دهد که یکی از اهداف اصلی سند تحول بنیادین، تربیت همه جانبه دانش آموزان است. این مفهوم به معنای توجه همزمان به ابعاد مختلف رشد انسان، از جمله رشد شناختی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و جسمانی است. تحقق چنین هدفی نیازمند آن است که معلمان علاوه بر آموزش مفاهیم علمی، به پرورش مهارت های زندگی، تقویت ارزش های اخلاقی و رشد اجتماعی دانش آموزان نیز توجه کنند. از سوی دیگر، پژوهش ها نشان می دهد که آگاهی معلمان از اهداف تربیتی نظام آموزشی می تواند نگرش آن ها را نسبت به نقش خود در فرآیند تعلیم و تربیت تغییر دهد. معلمانی که با فلسفه و اهداف تعلیم و تربیت آشنا هستند، معمولاً نقش خود را فراتر از انتقال دانش می دانند و تلاش می کنند به عنوان راهنما و مربی در رشد همه جانبه دانش آموزان ایفای نقش کنند. چنین نگرشی می تواند به بهبود کیفیت تعامل میان معلم و دانش آموز و افزایش اثربخشی فرآیند یادگیری منجر شود.



یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، ارتباط میان آگاهی معلمان از سند تحول بنیادین و استفاده از روش‌های نوین تدریس است. در این سند بر استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی در آموزش تأکید شده است. این روش‌ها شامل یادگیری مبتنی بر مسئله، یادگیری مشارکتی، یادگیری اکتشافی و سایر شیوه‌های نوین آموزشی است که نقش دانش‌آموزان را در فرآیند یادگیری فعال‌تر می‌کند. معلمانی که با این رویکردها آشنا هستند، معمولاً تلاش می‌کنند محیط یادگیری پویا و خلاقانه‌ای در کلاس درس ایجاد کنند. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که توانمندسازی حرفه‌ای معلمان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای اجرای موفق سند تحول بنیادین است. توسعه حرفه‌ای معلمان به معنای ارتقای دانش تخصصی، مهارت‌های آموزشی و نگرش‌های حرفه‌ای آنان است. این امر می‌تواند از طریق دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های تخصصی، مطالعه منابع علمی و مشارکت در فعالیت‌های پژوهشی تحقق یابد. از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از معلمان فرصت کافی برای مطالعه دقیق اسناد آموزشی ندارند. حجم زیاد فعالیت‌های آموزشی و اداری، محدود بودن دوره‌های آموزشی کاربردی و کمبود منابع آموزشی مناسب از جمله عواملی است که می‌تواند میزان آگاهی معلمان از اسناد تحول‌آفرین را کاهش دهد. بنابراین، لازم است برنامه‌های آموزشی مناسبی برای افزایش آگاهی معلمان از مفاد سند تحول بنیادین طراحی و اجرا شود. در همین راستا، استفاده از برنامه‌های آموزشی ضمن خدمت می‌تواند نقش مهمی در افزایش شناخت معلمان از اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین داشته باشد. این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر ارائه اطلاعات نظری، کاربردهای عملی مفاد سند در محیط کلاس درس را نیز به معلمان آموزش دهند. همچنین، نقش مدیران مدارس در ترویج مفاهیم سند تحول بنیادین بسیار مهم است. مدیران می‌توانند با ایجاد فضای آموزشی مناسب، تشویق معلمان به مطالعه اسناد آموزشی و برگزاری نشست‌های علمی و تخصصی، زمینه افزایش آگاهی معلمان را فراهم کنند. حمایت مدیریتی از معلمان می‌تواند انگیزه آن‌ها را برای اجرای برنامه‌های تحول‌آفرین افزایش دهد. یکی دیگر از یافته‌های پژوهش، اهمیت هماهنگی میان برنامه‌های درسی و اهداف سند تحول بنیادین است. اگر محتوای کتاب‌های درسی، شیوه‌های ارزشیابی و برنامه‌های آموزشی با اهداف سند همسو نباشد، اجرای کامل آن با دشواری مواجه خواهد شد. بنابراین، لازم است برنامه‌ریزان آموزشی در تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی، به اصول و اهداف سند تحول بنیادین توجه ویژه‌ای داشته باشند. علاوه بر این، نقش فناوری‌های آموزشی در تحقق اهداف سند تحول بنیادین نیز قابل توجه است. استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند

فرآیند یادگیری را جذاب تر و مؤثرتر کند و فرصت های بیشتری برای یادگیری فعال فراهم آورد. معلمان آشنا با مفاد سند تحول بنیادین معمولاً از فناوری های آموزشی به عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت تدریس استفاده می کنند. در مجموع، یافته های پژوهش نشان می دهد که آشنایی معلمان با اهداف و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می تواند تأثیر قابل توجهی بر کیفیت فرآیند تعلیم و تربیت داشته باشد. این آگاهی موجب می شود معلمان فعالیت های آموزشی خود را در چارچوب اهداف کلان نظام آموزشی تنظیم کنند و در جهت تحقق تربیت همه جانبه دانش آموزان گام بردارند. در جدول زیر برخی از مهم ترین ابعاد نقش آگاهی معلمان از سند تحول بنیادین در بهبود نظام آموزشی ارائه شده است.

عامل	حوزه تأثیر	پیامدهای آموزشی	نتیجه حاصل از آگاهی معلمان
آشنایی با اهداف سند	فرآیند آموزش	استفاده از روش های فعال یادگیری	ارتقای کیفیت تدریس
درک فلسفه تعلیم و تربیت	تربیت دانش آموزان	توجه به ابعاد تربیتی آموزش	تقویت تربیت اخلاقی دانش آموزان
شناخت راهکارهای سند	مدیریت آموزشی	همسویی فعالیت های مدرسه با اهداف کلان	افزایش هماهنگی برنامه های آموزشی
مطالعه اسناد آموزشی	توسعه حرفه ای	مشارکت در دوره های آموزشی و پژوهشی	توسعه مهارت های حرفه ای معلمان
نگرش تربیتی معلم	محیط یادگیری	ایجاد محیط یادگیری فعال	بهبود تعامل معلم و دانش آموز

به طور کلی، نتایج بررسی منابع علمی نشان می دهد که افزایش آگاهی معلمان نسبت به مفاد سند تحول بنیادین می تواند نقش مهمی در تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت ایفا کند. از این رو، برنامه ریزی برای ارتقای دانش و مهارت های حرفه ای معلمان در این زمینه، یکی از الزامات اساسی تحول در آموزش و پرورش به شمار می آید.

نتیجه گیری

نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای اجتماعی، مسئولیت تربیت نسل آینده و آماده سازی آنان برای زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده دارد. در این میان، اسناد راهبردی آموزشی نقش مهمی در تعیین جهت گیری ها و اهداف نظام تعلیم و تربیت ایفا می کنند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به عنوان مهم ترین سند بالادستی نظام آموزشی کشور، چارچوبی جامع برای ایجاد تحول در فرآیندهای آموزشی و تربیتی ارائه کرده است. نتایج این پژوهش نشان داد که تحقق اهداف سند تحول بنیادین تا حد زیادی به میزان آگاهی و مشارکت معلمان وابسته است. معلمان



به عنوان اصلی ترین مجریان برنامه های آموزشی در مدارس، نقش کلیدی در عملیاتی شدن اهداف و راهکارهای این سند دارند. آشنایی معلمان با مفاد سند تحول بنیادین می تواند موجب افزایش هماهنگی میان اهداف کلان نظام آموزشی و فعالیت های آموزشی در کلاس درس شود. همچنین، یافته های پژوهش نشان داد که آگاهی معلمان از این سند می تواند به بهبود کیفیت تدریس، تقویت ابعاد تربیتی آموزش و افزایش تعامل مؤثر میان معلم و دانش آموز منجر شود. معلمانی که با اهداف تربیتی نظام آموزشی آشنا هستند، معمولاً تلاش می کنند فرآیند یادگیری را به گونه ای طراحی کنند که علاوه بر انتقال دانش، به رشد همه جانبه دانش آموزان نیز کمک کند. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می دهد که برای تحقق کامل اهداف سند تحول بنیادین، لازم است برنامه های توانمندسازی معلمان تقویت شود. برگزاری دوره های آموزشی تخصصی، فراهم سازی منابع علمی مناسب و ایجاد فرصت های یادگیری حرفه ای برای معلمان می تواند نقش مهمی در افزایش آگاهی آنان نسبت به مفاد سند داشته باشد. در نهایت می توان گفت که سند تحول بنیادین زمانی می تواند به طور کامل در نظام آموزش و پرورش اجرا شود که معلمان به عنوان عاملان اصلی تعلیم و تربیت، شناخت عمیق و کاربردی از اهداف و راهکارهای آن داشته باشند. بنابراین، توجه به آموزش و توانمندسازی معلمان در این زمینه، یکی از مهم ترین پیش شرط های تحقق تحول در نظام آموزشی کشور محسوب می شود.

منابع

- ابطحی، حسین. (۱۳۹۴). اصول و مبانی آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- احمدی، احمد. (۱۳۹۲). مبانی فلسفی تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۰). روش های تحقیق در علوم تربیتی. تهران: سمت.
- پارسا، محمد. (۱۳۹۱). روان شناسی تربیتی. تهران: رشد.
- پورظهیر، علی. (۱۳۹۳). مدیریت آموزشی و رهبری در مدارس. تهران: سمت.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۸). روان شناسی پرورشی: روان شناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۳). مهارت های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۹۰). اصول تعلیم و تربیت. تهران: امیرکبیر.
- صافی، احمد. (۱۳۹۱). مدیریت و برنامه ریزی آموزشی. تهران: سمت.

- علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۴). مبانی مدیریت آموزشی. تهران: روان.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۹۵). برنامه‌ریزی درسی. تهران: سمت.
- یارمحمدیان، محمدحسن. (۱۳۹۲). نظام‌های آموزشی تطبیقی. تهران: سمت.
- Fullan, M. (2016). The new meaning of educational change. New York: Teachers College Press.
- Hargreaves, A. (2003). Teaching in the knowledge society. New York: Teachers College Press.
- Darling-Hammond, L. (2017). Teacher education around the world. Journal of Teacher Education.
- OECD. (2019). Teachers and school leaders as lifelong learners. Paris: OECD Publishing.